

عدم آرمان‌گرایی در مدیریت امام‌های(ع)

امام هادی(ع) از جهت زمانی در دوره‌ای قرار داشتند که مردم عام و علی‌الخصوص اهل ادب، خواسته □□□□ یا ناخواسته، حرف و سخنی از گناهانی در عام می‌زدند که در حقیقت چنین کاری بسیار قباح و مذموم بود، اما مدیریت چنین شخصیت‌هایی توسط امام هادی(ع) در این زمینه خیلی شگفت‌انگیز و هنرمندانه اتفاق می‌افتاد.

مثلاً شاعری در آن زمان بود که در مدح امامان اشعاری داشت، اما در کنار آن در مدح شراب و امور خلاف نیز اشعاری سروده بود.

حضرت هادی(ع) چنان با ایشان برخورد می‌نمود که نه تنها کار و عمل حسنه‌ی آن شاعر که مدح اهل بیت بود، از ارزشش کم نمی‌شد، بلکه قبح دیگر کار آن شاعر که مدح شراب بود هم سر جای خود می‌ماند و قدرشناسی امام هادی(ع) موجب ترویج گناه آن شاعر نمی‌شد.

از این رفتار حضرت امام هادی(ع) می‌توان چنین استفاده کرد که:

۱_ آن بزرگوار اعتقادی به آرمان‌گرایی نداشت، و انتظار نداشت تمام شیعیانش مبرّساً از خطا و گناه باشند، بلکه با یک کار و خدمت در راه ولایت، آن فرد را در عین گنهکار بودن می‌پذیرفت و دستش را می‌گرفت تا با بودن در این مسیر، خطاهای دیگرش هم زوده شود، و این در نگاه دیگر یعنی مظهر اسم «وفی» خدا بودن و قدرشناسی از خدمات و در پی جبران نمودن خدمات دیگران، که کوچکترین خدمت در راه امامان(ع) شاید در ظاهر به چشم نیاید، اما در نظر اهل وفا، بسیار پربها و باارزش می‌باشد و این نکته باعث تشویق و انگیزه‌ی بیشتر برای خادمان در دوران غیبت است که هم اخلاص در کار داشته باشند و فقط به خاطر امام، خدماتی انجام دهند و هم تلاش‌هایشان را کم ارزش ندانند.

۲_ مهم بودن عقیده‌ی سیاسی شیعیان در نظر امام هادی(ع) بود، به عبارتی برای امام هادی(ع) این مسئله مهم بود که شیعیانش امام برحق را بشناسند و جایگاه امامت را دانسته و دفاع از آن در برابر طاغوت زمان را واجب بدانند و از خوار شدن جبهه‌ی حق، ممانعت کنند.

حال ممکن است چنین فردی به سیئه‌ای هم مبتلا باشد، اما مهم صحت عقیده فرد است که حضرت در عمل و نوع رفتارشان هم این را تاکید می‌فرمودند، و چنانچه بیان شد، این به معنای کوتاهی در اعمال و سبک کردن قبح‌گناه از طرف امام نیست.

اما علت اهمیت این مسئله چیست اینکه، چون این عقیده صحیح است که نجات بخش انسان می‌شود نه انجام عمل حسنه با عقیده غلط، که هیچ ارزشی در پی ندارد و دچار حبط عمل خواهد شد.

لذا این یک درس از امام هادی(ع) است برای کسانی که در تبلیغ و تبیین دین و تربیت دینی افراد فعالیت دارند.

دومین نکته‌ی آموزنده، زمان شناسی و مخاطب شناسی آن بزرگوار است.

زمان آخرین امامان و کارکرد آن بزرگواران در مسائل دینی، علی‌الخصوص امام هادی(ع)، طرح سطح بالای مبانی مربوط به اعتقادات، خاصه عقیده‌ی امامت بود که در زمان مثلاً امیرمومنان علی(ع)، آن مطالب جزو اسرار محسوب می‌شد.

حضرت با تربیت خود و با دیدن اینکه سطح فهم و درک مردم نسبت به مسأله‌ی امامت بالا رفته، زوایای دیگری از امامت را مطرح می‌نمودند و در کنار آن از یک طرف شدیداً مواظب گروه غالیان بودند که بستری برای سوء استفاده‌ی آنها گسترده نشود، و از طرف دیگر مواظب شیعیان‌شان، که با دریافت این مطالب دچار عجب و غرور نگردند.

چنانچه روزی یکی از اصحابش آن را به منزلشان دعوت کرده بودند و آن صحابه به‌خاطر اینکه امام با آن عظمتش او را دعوت کرده تا صبح سر به سجده گذاشته بود، که امام با دیدن این حالت، با پای مبارک ضربه‌ای به او زده و او را از سجده بلند کرد، تا عجب و غرورش از سجده‌ها و دعوت امام، آفتی به ایمانش وارد نسازد؛ و این یعنی مخاطب شناسی و ظرفیت شناسی امام برای بازگو کردن مطالب.

و نمونه‌ی بارز این سطح شناسی امام هادی(ع)، طرح زیارت جامعه کبیره هست که بهترین و قویترین درس امامت در متن این زیارت مشهود است، در حالیکه در امامان قبل از ایشان این مطالب چنین به صراحت، بازگو نشده بود مگر به عده‌ای از اهل سر.

پس چه نیکوست که در تاریخ زندگی امامان(ع) با لطافت و ظرافت

توجه، سیر کرده و درسهای لازم را از عملکردهای حکیمانه ی آن
بزرگواران بیاموزیم و در زندگی پیاده نماییم.